

حواشی کف خیابان در زمان انتخابات سوم

آغاز عصر جدید

مروری بر رخدادهاي سومين و چهارمین دور از انتخابات ریاست‌جمهوری در جمهوری اسلامی

گروه گزارش

در میان تمامی مسائلي که سال 60 را در تاریخ جمهوری اسلامی متمایز می‌کند، موضوع برگزاری دو انتخابات ریاست‌جمهوری در این دوره در این سال قابل توجه است؛ اول در مرداد 60 سومین دوره از انتخابات برگزار شد و بعد از ترور رجایی در دهم مهرماه سال 60 چهارمین دور از انتخابات ریاست‌جمهوری برگزار شد. در این انتخابات آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، علی‌اکبر پرورش، حسن غفوری‌فرد و رضا زواره‌ای با یکدیگر رقابت کردند که آیت‌الله خامنه‌ای توانست با کسب 95 درصد آرا یعنی ۱۵ میلیون و ۹۰۵ هزار و ۹۸۷ رأی به عنوان سومین رئیس‌جمهور انتخاب شود.

برگزاری انتخابات بدون رئیس‌جمهور

دوره ریاست‌جمهوری محمدعلی رجایی به عنوان دومین رئیس‌جمهوری جمهوری اسلامی کمتر از يك ماه دوام یافت. با ترور رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر مسوولیت اداره کشور به دست شورای انقلاب افتاد. شورای انقلاب در این شرایط متشکل از اکبر هاشمی رفسنجانی به عنوان رئیس مجلس و علی‌اکبر موسوی‌اردبیلی به عنوان رئیس دیوان عالی کشور بود. رخداد تاریخی نامه هاشمی رفسنجانی به خودش، به عنوان عضو شورای انقلاب به رئیس مجلس وقت در این برهه زمانی است. وقتی که هاشمی رفسنجانی در نامه‌ای به عنوان عضو شورای انقلاب محمدرضا مهدوی‌کنی را به عنوان سرپرست دولت به علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی به عنوان رئیس مجلس معرفی کرد. همین شد که ۲ روز بعد از حادثه خونین ساختمان نخست‌وزیری، مجلس وقت با ۱۷۸ رأی موافق، ۱۰ رأی مخالف و ۸ رأی ممتنع، آیت‌الله مهدوی‌کنی را به ریاست دولت منصوب کرد. او با

تأکید امام خمینی (ره) مأمور شد تا ضمن تشکیل کابینه، هرچه زودتر مقدمات انتخابات سومین دوره ریاست‌جمهوری را فراهم آورد و به این ترتیب سومین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری در جمهوری اسلامی آغاز شود.

تایید صلاحیت نامزدها

در این دوره برخلاف ۲ دوره قبل، روحانیون در فهرست نامزدها قرار داشتند. شاید بتوان مهم‌ترین تحول سومین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری در جمهوری اسلامی را همین مساله دانست چرا که آیت‌الله خمینی پیش از این بارها بر عدم حضور روحانیت در مناصب اجرایی کشور تأکید کرده بودند و مخالف کاندیدا شدن روحانیون برای پست ریاست‌جمهوری بودند و تلاش اعضای جامعه مدرسین و دیگر افراد برای کسب رضایت ایشان نیز موثر واقع نشده بود. و به همین دلیل در انتخابات دوره اول و دوم ریاست‌جمهوری، روحانیون کاندیدای این پست نبودند. آیت‌الله خمینی در این باره معتقد بود: «روحانیون شغلشان يك شغل بالاتر از این مسائل اجرایی است و اگر چنانچه اسلام پیروز بشود، روحانیون می‌روند سراغ شغل‌های خودشان.» اما در دوره سوم انتخابات ریاست‌جمهوری، حزب جمهوری اسلامی با این استدلال که «با توجه به شرایط خاص کشور و عدم وجود کاندیدای قابل قبول که بتواند در سطح جامعه از آرای لازم برخوردار گردد» به آیت‌الله خمینی پیشنهاد کرد که اجازه بدهند روحانیون کاندیدای این انتخابات نیز شوند. این پیشنهاد که توسط اکبر هاشمی رفسنجانی برای آیت‌الله خمینی طرح شد به منظور باز کردن راه برای کاندیدا کردن آیت‌الله خامنه‌ای، دبیرکل حزب جمهوری اسلامی توسط این حزب بود که در نهایت نیز با پذیرش امام خمینی این موضوع انجام شد. در این شرایط ۴۶ داوطلب در سومین دور از انتخابات ثبت‌نام کردند اما در نهایت ۵ نامزد از این افراد توسط شورای نگهبان تایید صلاحیت شدند؛ آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، سیدعلی اکبر پرورش، حسن غفوری‌فرد، سیدرضا زواره‌ای و محمدرضا مهدوی‌کنی که البته مهدوی‌کنی از ادامه رقابت انصراف داد. در این انتخابات يك نفر دیگر هم قصد شرکت داشت که به علت مأموریت خارج از کشور و ارسال مدارک توسط شخص دیگر آن هم دیرتر از موعد مقرر، نامزدی او مورد پذیرش قرار نگرفت؛ علی‌اکبر ولایتی، عضو برجسته حزب جمهوری اسلامی بود که در آن زمان برای مأموریت به بین‌المجالس کشورهای اسلامی رفته بود و در کشور حضور نداشت.

مواضع احزاب، گروه‌ها و شخصیت‌ها

سومین دوره از انتخابات ریاست‌جمهوری در شرایطی برگزار شد که نیروهای جبهه ملی و نهضت آزادی که به لیبرال‌ها موسوم شده بودند و جریان بنی‌صدر و نیروهای سیاسی چپ‌گرا چون فداییان خلق، مجاهدین خلق، حزب توده، جاما، جنبش مسلمانان مبارز و... از صحنه سیاسی حذف شده بودند و این دوره از انتخابات ریاست‌جمهوری همانند دوره دوم با حضور یک‌دست رقبایی از جریان‌های مذهبی فعال سیاسی، آیت‌الله خامنه‌ای را به عنوان نامزد برگزیده خود معرفی کردند؛ حزب جمهوری اسلامی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، جامعه روحانیت مبارز تهران، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، انجمن اسلامی بازار و اصناف، انجمن اسلامی معلمان و دفتر تحکیم وحدت. در آستانه انتخابات افرادی چون، محسن مجتهد شبستری، هاشمی رفسنجانی، مهدوی کنی، اسدالله بیات، بهزاد نبوی، عسکراولادی، محمد یزدی، میرحسین موسوی، عبدالمجید معادیخواه، رشیدیان، محسن نوربخش، آیت‌الله دستغیب، حسین موسوی تبریزی، و... نیز از آیت‌الله خامنه‌ای اعلام حمایت کردند. دیگر نامزدها نیز با تاکید و بیان «شایستگی آیت‌الله خامنه‌ای» صراحتاً اعلام می‌کردند که حضورشان برای انجام وظیفه است و نه رقابت. حتی زواره‌ای، یکی از نامزدهای انتخابات، در آستانه انتخابات از آقای خامنه‌ای حمایت کرد.

برنامه‌های کاندیدها؛ تاکید بر برقراری امنیت اجتماعی و تامین مالی جنگ

آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان کاندید اصلی در این انتخابات رئیس‌جمهوری برنامه‌های خود را در چند بخش اعلام کرده بودند؛ حرکت سیاست‌های اقتصادی از مرکز به سمت حمایت از مستضعفان و دورافتادگان، طاغوت‌زدایی از همه شؤون زندگی ملت و از بین بردن فرهنگ طاغوتی، کشف و به کارگیری تمام استعدادها و انسانی در همه میدان‌ها از تکنیک تا هنر، ایجاد محیط امن اجتماعی تا ارگان‌های دولتی بتوانند کارشان را انجام بدهند، امنیت اجتماعی، قضایی و امنیت کامل محیط کاری. در این برنامه همچنین تاکید شده بود که همه کسانی که وفادار به جمهوری اسلامی هستند و نظام را قبول دارند با هر اندیشه و تفکری بتوانند آزادانه زندگی کنند و کسی به آنها تعرض نکند. علاوه بر این آیت‌الله خامنه‌ای مواضع سیاست خارجی خود را تداوم شعارهای اصیل انقلاب برشمردند و محورهای آن را دوری از قدرتهای ستمگر (اصل نه شرقی و غربی)، مبارزه با قدرتهای غاصب از جمله دستگاه غاصب فلسطین، جانبداری از ملتها و انگیزه‌های انقلابی از مستضعفان به‌خصوص در منطقه فلسطین اعلام کردند در این برنامه همچنین تاکید

شده بود که «با همه دنیای بی طرف و بی‌غرض و سالم رابطه داشته باشیم و از خیرات و برکات فرآورده‌های مغزهای بشری بهره ببریم و با تنگ‌نظری در خیرات و برکات را به خود نبندیم.» آیت‌الله خامنه‌ای در خصوص انگیزه خود برای شرکت در انتخابات گفتند: «وقتی که از حادثه ترور ماه پیش جان سالم به در بردم، آرزو کردم بتوانم باقی مانده این عمر بازیافته را در میدان‌های دشوار و سخت خرج کنم. حتی در ذهن من هم این مطلب خطور نمی‌کرد و زیدگان و منتخبان مردم و کارگردانان امور کلی و مهم کشور در پاسخ به همین خواست مردم بود که به من اصرار کردند و من اقدام کردم...» سیدعلی‌اکبر پرورش، برنامه‌های خود را «تنظیم روابط سه قوه، هماهنگی مراکز متعدد تصمیم‌گیری» عنوان کرد و سیدرضا زواره‌ای، برنامه‌های خود را «تشکیل سازمان منظم اطلاعاتی، بعد انسان‌سازی و تحول عقیدتی» عنوان کرد و معتقد بود مهم‌ترین مسأله مادی، جنگ تحمیلی است.

حواشی کف خیابان در زمان انتخابات سوم

سومین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری در جمهوری اسلامی در مهرماه سال 1360، در شرایط «اوج بحران در کف خیابان‌ها» برگزار شد. علی‌داریابی در کتاب «رفتار انتخاباتی در ایران، الگوها و نظریه‌ها» درباره فضای سیاسی حاکم بر کشور در این برهه زمانی توضیح داده و نوشته است: «ادامه جنگ تحمیلی و نیازهای نیروهای جبهه به حمایت‌های لجستیکی و انسانی و همچنین تشدید ترورهای کور گروه‌های ضدانقلاب علیه مردم عادی کوچه و بازار، دو بحران عمده کشور بود.» علاوه بر این، در کتاب «روایت انتخابات، بررسی هشت دوره انتخابات ریاست‌جمهوری» فضای مهرماه سال 1360 توسط «سیدفرید حاج سیدجوادی» این گونه توصیف شده است: «مسائل جنگ و محاصره آبادان از سوی ارتش بعث عراق نشانگر موضع ضعیف شده ایران در جنگ داشت. بسیج نیروهای مردمی به هدایت امام خمینی و حمایت‌های دولت توانست یکی از مهم‌ترین پیروزی‌های جنگ را رقم بزند که حصر آبادان در 6 مهرماه 1360 با مقاومت جانانه مردمی در هم شکسته شد.» نویسنده در این کتاب تحلیلی «مبارزه با فعالیت‌های تروریستی سازمان مجاهدین خلق» را مهم‌ترین مسائل وقت کشور توصیف و با اشاره به «ترور آیت‌الله مدنی، امام جمعه تبریز و حجت‌الاسلام هاشمی‌نژاد، مسوول دفتر حزب جمهوری اسلامی در مشهد، حمله به مرکز سپاه و مردم عادی» بر «تداوم سیاست تروریست‌ها در حذف چهره‌های تأثیرگذار خط امام» تأکید دارد. با مرور مطبوعات آن دوره می‌بینیم که در حالی که دولت زیر نظر مهدوی‌کنی در حال فراهم آوردن مقدمات سومین دوره انتخابات

ریاست‌جمهوری بود، کادر مسلح باقی مانده از سازمان مجاهدین، به فرماندهی موسی خیابانی و اشرف رجوی با ایجاد جنگ و گریزهای شهری به مدت 10 روز در تهران و برخی شهرهای بزرگ، تلاش کردند، زمینه‌های جنگ فراگیر شهری را فراهم کنند تا برای بنی‌صدر و مسعود رجوی، امکان بهره‌برداری از آن در سطح جهانی فراهم شود. در مقابل رسانه‌ها گزارش داده‌اند که «نیروهای مذهبی، مرگ بر منافق را به شعار عمومی و فراگیر تبدیل کردند.» مهدی بازرگان به عنوان رییس فراکسیون اقلیت در مجلس در آن زمان در نطق پیش از دستور خود ضمن اظهار نگرانی از خونریزی‌ها در تقابل با شعار عمومی مردمی که منافقین را امریکایی می‌خواندند، گفته است: «نباید مجاهدین را امریکایی خواند؛ به امریکایی‌ها مربوط نیست، اینها فرزندان رنجیده و خطاکار ما هستند.» این سخنرانی البته با واکنش نمایندگان وقت مجلس ناتمام ماند.

رکورد بی‌سابقه

انتخابات ریاست‌جمهوری سوم در تاریخ 10/7/1360 با حضور چهار کاندیدا برگزار شد. نتایج این دوره از انتخابات دارای نصابی است که تاکنون بی‌نظیر باقی مانده است. نسبت آرای رییس‌جمهور منتخب، سیدعلی خامنه‌ای به کل واجدین شرایط (930/439/22 نفر)، 67,94 درصد بود که پس از آن دیگر تکرار نشده است. درصد مشارکت در این انتخابات 71,43 بود که بیش از انتخابات مرحله اول و دوم ریاست‌جمهوری بود. از دیگر ویژگی‌های نتایج این انتخابات قرار گرفتن میزان آرای باطله در رتبه دوم و بالاتر از رقبای فرد منتخب بود.

چهارمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری

در پایان دوره اول ریاست‌جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای - که به عنوان سومین رییس‌جمهور انتخاب شده بود - ایران برای اولین بار دوران کامل يك دولت را پشت سر گذاشته بود. در دوره چهارم انتخابات ریاست‌جمهوری آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، محمود کاشانی و حبیب‌الله عسکراولادی از سوی شورای نگهبان احراز صلاحیت شدند. ردصلاحیت مهدی بازرگان، نامزد نهضت آزادی از اتفاقات مهم این دوره بود. بیشتر احزاب و گروه‌های فعال از ریاست‌جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای حمایت می‌کردند. در روز 25/5/1364 انتخابات برگزار شد و آیت‌الله خامنه‌ای با 870/203/12 رأی حائز 67,85 درصد آرا شد.

ثبت نام نامزدها و بررسی صلاحیت آنها

از 26 تیرماه تا 30 تیرماه 1364، زمان تعیین شده برای ثبت نام از کاندیداهای انتخابات دوره چهارم ریاست جمهوری بود که حدود 50 نفر ثبت نام کردند. از مهم ترین موانع حضور چهره های سرشناس در انتخابات آن دوره، لزوم کناره گیری از مناصب عالی دولتی برای شرکت در انتخابات بود. جریان لیبرال یا نهضت آزادی تنها جریانی بود که بعد از حذف جریان چپ و ملی، به عنوان حزب منتقد دولت و حکومت فعالیت محدودی داشت و با تحریم انتخابات دوره دوم مجلس شورای اسلامی به خاطر رد صلاحیت تمامی کاندیداهای نهضت آزادی، دوباره سعی داشت با نامزدی مهدی بازرگان، لیدر خود وارد جریان انتخابات شود که در نهایت شورای نگهبان صلاحیت سه نفر به نام های سیدعلی خامنه ای، سید محمود کاشانی و حبیب الله عسگر اولادی را تأیید کرد و بازرگان رد صلاحیت شد که واکنش نهضت آزادی را به همراه داشت. در همین ایام بازرگان در گفت و گو با يك شبکه تلویزیونی سلطنت طلب در کالیفرنیا اظهار داشت: انتخابات ریاست جمهوری در ایران کاملاً اجباری، مخدوش و عامل سلب حاکمیت مردم است. به نظر نهضت آزادی، شرکت در انتخابات ریاست جمهوری امضای سند اسارت ملت است. روزنامه انگلیسی تایمز نیز در مقاله ای با عنوان مردی که طرفدار صلح بود و از انتخابات کنار گذاشته شد به بررسی انتخابات و رد صلاحیت بازرگان پرداخت. دبیر هیأت مرکزی انتخابات در مقابله با جنجال تبلیغاتی و سر و صدای نهضت آزادی وعده داد دلایل رد صلاحیت بازرگان را رسماً اعلام می کنیم و در نهایت آیت الله ابوالقاسم خزعلی علل رد صلاحیت بازرگان را چنین تشریح کرد: «شورای نگهبان تمام جهات را رعایت می کند. شما در مورد ولایت فقیه گفتید من مجلس خبرگان را منحل می کنم. وقتی لانه جاسوسی تسخیر شد، امام آن را انقلاب دوم تعبیر کردند، اما بازرگان گفت من استعفا می دهم. آن موقعی که فرزندان ما انقلاب می کنند، شما برای امریکا جوش می زنید. وقتی حسن نزیه گفت پیاده کردن احکام اسلام نه مفید است و نه ممکن، بازرگان او را تأیید کرد.» علی اکبر ناطق نوری نیز در کتاب خاطراتش که توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر شده است درباره یکی از دلایل رد صلاحیت مهدی بازرگان در انتخابات ریاست جمهوری چهارم می گوید: «جلسات شورای نگهبان برای بررسی صلاحیت مهدی بازرگان از حد معمول هم بیشتر طول کشید و به علت اینکه وی از امیرانتظام که جاسوس امریکا بود و به حبس ابد محکوم شده است، دفاع کرد و گفت امیرانتظام هر کاری انجام داده اند، به دستور من بوده، بدین جهت شورای نگهبان در مجموع صلاحیت او را رد کرد.» هاشمی رفسنجانی هم در خاطرات 7 مرداد

1364 خود با اشاره به فضای انتخابات می‌نویسد: «عصر در جلسه شورای مرکزی روحانیت مبارز تهران شرکت کردم. تبلیغات انتخابات ریاست‌جمهوری مطرح بود. قرار شد بیشتر روی اصل شرکت مردم در انتخابات صحبت کنیم. چون که آقای خامنه‌ای شخصا احتیاج به تبلیغ ندارند و رقیبی هم نیست. شورای نگهبان همه نامزدها به جز سه نفر؛ آقایان خامنه‌ای، حبیب‌الله عسگراولادی و محمود کاشانی را ردصلاحیت کرده است. حذف مهندس مهدی بازرگان بی‌مساله نخواهد بود. البته مفسران سیاسی در رسانه‌های بین‌المللی بر عدم وجود احتمال پیروزی مهندس بازرگان، حتی در صورت تایید صلاحیت، اذعان داشتند. نهضت آزادی نیز با صدور بیانیتهای شرکت در انتخابات ریاست‌جمهوری را تحریم کرد.»

مواضع احزاب و گروه‌ها در انتخابات

در این انتخابات رقابت سیاسی خاص حزبی صورت نگرفت. بیشتر احزاب و گروه‌های فعال از ریاست‌جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای حمایت می‌کردند. ایشان مورد حمایت اکثر گروه‌ها و جناح‌های سیاسی داخل و خارج حزب جمهوری بودند. جامعه روحانیت مبارز ایشان را به عنوان فرد اصلح برای احراز این مقام و مسوولیت معرفی کرد. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم نیز اعلام کرد: «با توجه به برخوردهای صریح و قاطع آقای خامنه‌ای نسبت به مسائل داخلی و سیاست‌های خارجی کشور و نشان دادن علاقه و ایمان به ولایت‌فقیه و اسلام فقه‌ای و لیاقت و مدیریت، بار دیگر به ایشان رأی می‌دهند. سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، تثبیت انقلاب در صحنه بین‌المللی، سامان یافتن امور اجرایی کشور، پیروزی‌های چشمگیر در جنگ تحمیلی و دوام اقتصادی کشور را دلایل حمایت مجدد از ریاست‌جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای برشمرد. گروه‌ها و احزاب دیگری چون، دفتر تحکیم وحدت، انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه‌های سراسر کشور، جامعه روحانیت مبارز، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، انجمن اسلامی شهرستان‌ها و اصناف، ائمه جمعه مراکز استان‌ها و دیگر گروه‌های کوچک با انتشار بیانیتهایی از آیت‌الله خامنه‌ای حمایت کردند.

برنامه‌های کاندیداها؛ انتقاد از شرایط اقتصادی و تاکید بر مبهم بودن اختیارات رییس‌جمهور

عسگراولادی، در نطق انتخاباتی خود که در صدا و سیما و جراید انعکاس یافت، به صراحت از دولت و عملکرد آن انتقاد کرد و بحث اختلاف دو جناح حزب جمهوری را که در آن سال‌ها به تضاد میان برخی

وزرا و نخست‌وزیر (میرحسین موسوی) منجر شده بود، را مطرح کرد و گفت: «برخی از مشکلات مردم بر اثر عدم مشورت و عدم انسجام‌هاست، ضعف در برخی از مدیریت‌هاست.» او با اشاره به مشکلات اقشار مردم، دولت و قوه قضاییه را که در دست جریان چپ بود را به حرکت خودسرانه و مافوق قانون متهم ساخت و تاکید کرد: «مشکلات اقتصادی، عدم اشتغال و مشکل احتکار و تورم، پشت حقوق‌بگیران را شکسته است... قانون اساسی در مورد هماهنگی سه قوه ناقص اجرا می‌شود... قانون اساسی درباره کشاورزی و صنعت و اقتصاد درست اجرا نشده است. تعدادی از دستگاه‌های اجرایی بی‌اعتنا به قانون و خودسرانه عمل می‌کنند که باعث نگرانی و ناراحتی مردم خواهد بود» در کل عسکراولادی، عدم اجرای قانون اساسی در قوا به ویژه قوه قضاییه را مورد توجه قرار داده بود. وی مسوولیت تنظیم روابط بین قوا را رأس وظایف دوره بعدی ریاست‌جمهوری برشمرد و اقدامات انجام شده در دوره قبل را در این راستا رضایت بخش نمی‌دانست. محمود کاشانی نیز انتقاد از شرایط اقتصادی را محور برنامه‌های خود قرار داده بود. کاشانی از مواردی چون بیکاری، عدم رشد سرمایه‌گذاری و مشکلات دستگاه قضایی و بلاتکلیفی بخش خصوصی و توقف تولید انتقاد می‌کرد. او تاکید داشت اصلی بودن مساله جنگ نباید موجب تأخیر در سازندگی شود و به جریان افتادن سرمایه‌های تولیدی در فعالیتهای کاذب را ناشی از بلاتکلیفی بخش خصوصی می‌دانست. اجرای کامل قانون اساسی، برقراری حکومت قانون، ایجاد مطبوعات آزاد و سالم، برقراری امنیت قضایی، بهبود وضعیت دانشگاه‌ها و آموزش و پرورش، ایجاد اقتصاد سالم و حل نارسایی‌های اجتماعی، شعارهای انتخاباتی کاشانی بود. در مجموع اظهارات و برنامه‌های کاشانی را می‌توان نقد جدی سیاست اقتصادی جنگ محور آن دوران دانست. آیت‌الله خامنه‌ای با توجه به تجربه چهار ساله، ابهام در اختیارات رئیس‌جمهور و عدم ضمانت کافی برای اجرای خواسته‌های وی را از مهم‌ترین مسائل دوره بعد معرفی کردند. ایشان با در اولویت دانستن تدوین کامل قانون اختیارات ریاست‌جمهوری گفتند: «اگر به يك وزيری بگویم این کار خلاف قانون اساسی یا شرع است و نباید انجام بدهد، اگر آن وزیر خواست جواب بنده را به صورت دلخواه خودش که مثلا با نظر من مخالف است بدهد، من چه می‌توانم بکنم؟ به مردم شکایت کنم؟ بروم دیوان عدالت اداری؟ این جور هست که دست رئیس‌جمهور یقینا بسته است.» نظر ایشان در خصوص مشکلات اقتصادی واگذاری فعالیت‌ها به مردم و کاهش تصدی‌گری دولت بود: «اگر کسی خیال کرده است، دولت برای رفع تبعیض و فقر و محرومیت و برای توزیع درست ناگزیر است که امور اقتصادی را خودش در دست بگیرد، اشتباه کرده است. تجربه اقتصادی گذشته ما در این

چهار سال اخير در اين زمينه تجربه موفقي نبوده است. در هر كار اقتصادي كه آنها را خودمان در دست گرفتيم و مسووليت صد در صد آن را دولت در دست گرفت، ضرر كرد.» محور ديگري كه مورد توجه ايشان بود، افزايش تحرك ديپلماسي كشور بود: «مساله ديگري كه در آينده حتما انجام بگيرد، افزايش فعاليت و حضور در صحنه‌هاي بين المللي است.»

شرایط امنیتی برگزاری انتخابات

پس از چند سال حوادث خونين در سالهاي ابتدايي دهه 60، انتخابات رياست‌جمهوري دوره چهارم در شرایط نسبتاً آرام برگزار شد. هرچند تلاشهاي غيرموفقي از سوي گروهك مجاهدين خلق صورت گرفت كه توسط نهادهاي امنيتي خنثي شد. هاشمي رفسنجاني در خاطرات چهارشنبه 23 مرداد ماه 1364 خود مي‌نويسد: عصر آقاي ريشهري وزير اطلاعات آمد و گزارشي از دستگيري عناصر منافع كه قصد خرابكاري در انتخابات داشتند، از جمله بازداشت سه تيم عملياتي آر. پي. جي را داد. روزنامه كيهان در 26 مرداد به نقل از محمد ريشهري، وزير اطلاعات وقت در اين باره نوشته است: تيم‌هاي ترور كلا از عراق آمده بودند و در اغلب استان‌هاي كشور مستقر شده بودند كه همگي دستگير شدند.

کانديدای دوره سوم

سيدعلي اکبر پرورش

متولد 1321-اصفهان

وي داراي مدرک فوق لیسانس کارآموزي دبيري و عضو جمعيت موفقي بود.

پرورش پيش از پيروزي انقلاب اسلامي در دبیرستان تدریس می‌کرد و پس از پيروزي انقلاب، ابتدا وزير آموزش و پرورش دولت باهنر و کابينه مهدوي کني بود. سپس علاوه بر تدریس، نماينده مجلس خبرگان قانون اساسي بود و در انتخابات مجلس شوراي اسلامي دوره اول به نمايندگي مردم اصفهان انتخاب شد.

وي در دومين دوره انتخابات رياست‌جمهوري نیز نامزد شد كه نتوانست آرای لازم را به دست آورد.

کاندیدای دوره سوم

سیدرضا زواره ای

متولد 1317- ورامین

وی تحصیلات ابتدایی را در روستای محل تولد گذراند و پس از پایان دانشسرای کشاورزی به کسوت معلمی درآمد. وی مدرک لیسانس حقوق داشت و عضو هیات متلفه بود.

زواره ای در انتخابات میان دوره ای سال ۱۳۶۰ مجلس اول شورای اسلامی به نمایندگی مردم تهران انتخاب شد و برای سومین دوره انتخابات ریاست جمهوری هم تایید صلاحیت شد.

صلاحیت وی در نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری (خرداد ۸۴) توسط شورای نگهبان که خود سالها عضو و دبیر این شورا بود، رد شد.

کاندیدای دوره سوم

حسن غفوری فرد

متولد 1322- تهران

ایشان تحصیلات حوزوی را تا اجتهاد گذراندند و پیش از انقلاب اسلامی مدرس، مبلغ و امام جماعت بودند و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، عضو شورای عالی انقلاب، عضو موسس حزب جمهوری اسلامی، معاون وزارت دفاع در کابینه دولت موقت، فرمانده سپاه پاسداران، نماینده آیت الله خمینی در ارتش و شورای عالی دفاع و امام جمعه تهران بودند. ایشان پنجمین نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی دوره اول و پس از شهادت آیت الله بهشتی و باهنر، سومین دبیر کلی حزب جمهوری اسلامی را بر عهده داشتند.

کاندیدای دوره چهارم

سید محمود کاشانی

